

محبوبه ولی

■ **قانون جرم سیاسی** که **سه سال** پیش به تصویب رسید، تشخیص سیاسی بودن یا نبودن اتهام را بر عهده دادسرا و قاضی گذاشته‌است. بسیاری این مورد را باشسته آشیل این قانون می‌دانند و معتقدند که تشخیص سیاسی بودن اتهام باید از عهده قاضی برداشته شود.

**تجربه‌شمار در پرونده‌های متعدد سیاسی و امنیتی، چنین ادعایی را تایید می‌کند؟**
بله. دقیقا یکی از مشکلاتی که من جمله شامل همین قانون می‌شود و کلادرباب جرایم امنیتی وجود دارد، همین عدم توجه به عنصر معنوی مرکب است. مسا می‌گویم جوان ۱۹ ساله‌ای که شغل ندارد و زیر فشارهای اقتصادی و اجتماعی دارد گلایه می‌کند. اصلا نمی‌داند که امنیت ملی چیست و قابلیتش را هم ندارد که علیه امنیت ملی اقدام کند؛ اما این جوان به اتهام اقدام علیه امنیت ملی دستگیر می‌شود بعد از دو سه تا هم‌کلاسی با دانشجو هم باشند، اتهام تشکیل گروه برای اقدام علیه امنیت ملی را متوجه آن‌ها نمی‌کنند.

و همه با هم گفته‌اند از آن اتاق که می‌رویم بیرون هدفمان فقط امنیت ملی است؛ شما می‌روید اینجا مگر امنیت ملی چیست و قابلیتش را هم ندارد که علیه امنیت ملی اقدام کند؛ اما این جوان به اتهام اقدام علیه امنیت ملی دستگیر می‌شود بعد از دو سه تا هم‌کلاسی با دانشجو هم باشند، اتهام تشکیل گروه برای اقدام علیه امنیت ملی را متوجه آن‌ها نمی‌کنند. اما این فرض را بر این گرفته‌اند که این جوانان با برنامه‌ریزی قبلی نشته‌اند در اتاقی که مجاهدین خلق و داعش هم حضور دارند و همه با هم گفته‌اند از آن اتاق که می‌رویم بیرون هدفمان فقط امنیت ملی است؛ شما می‌روید اینجا مگر امنیت ملی چیست و قابلیتش را هم ندارد که علیه امنیت ملی اقدام کند؛ اما این جوان به اتهام اقدام علیه امنیت ملی دستگیر می‌شود بعد از دو سه تا هم‌کلاسی با دانشجو هم باشند، اتهام تشکیل گروه برای اقدام علیه امنیت ملی را متوجه آن‌ها نمی‌کنند. اما این فرض را بر این گرفته‌اند که این جوانان با برنامه‌ریزی قبلی نشته‌اند در اتاقی که مجاهدین خلق و داعش هم حضور دارند و همه با هم گفته‌اند از آن اتاق که می‌رویم بیرون هدفمان فقط امنیت ملی است؛ شما می‌روید اینجا مگر امنیت ملی چیست و قابلیتش را هم ندارد که علیه امنیت ملی اقدام کند؛ اما این جوان به اتهام اقدام علیه امنیت ملی دستگیر می‌شود بعد از دو سه تا هم‌کلاسی با دانشجو هم باشند، اتهام تشکیل گروه برای اقدام علیه امنیت ملی را متوجه آن‌ها نمی‌کنند.

چنین چیزی متوجه است. وقتی آن را می‌خواند، به یک شعبه دیگری می‌برد و در آنجا می‌نشیند. اما این فرض را بر این گرفته‌اند که این جوانان با برنامه‌ریزی قبلی نشته‌اند در اتاقی که مجاهدین خلق و داعش هم حضور دارند و همه با هم گفته‌اند از آن اتاق که می‌رویم بیرون هدفمان فقط امنیت ملی است؛ شما می‌روید اینجا مگر امنیت ملی چیست و قابلیتش را هم ندارد که علیه امنیت ملی اقدام کند؛ اما این جوان به اتهام اقدام علیه امنیت ملی دستگیر می‌شود بعد از دو سه تا هم‌کلاسی با دانشجو هم باشند، اتهام تشکیل گروه برای اقدام علیه امنیت ملی را متوجه آن‌ها نمی‌کنند. اما این فرض را بر این گرفته‌اند که این جوانان با برنامه‌ریزی قبلی نشته‌اند در اتاقی که مجاهدین خلق و داعش هم حضور دارند و همه با هم گفته‌اند از آن اتاق که می‌رویم بیرون هدفمان فقط امنیت ملی است؛ شما می‌روید اینجا مگر امنیت ملی چیست و قابلیتش را هم ندارد که علیه امنیت ملی اقدام کند؛ اما این جوان به اتهام اقدام علیه امنیت ملی دستگیر می‌شود بعد از دو سه تا هم‌کلاسی با دانشجو هم باشند، اتهام تشکیل گروه برای اقدام علیه امنیت ملی را متوجه آن‌ها نمی‌کنند.

مشکل اصلی مسا یی توجهی به عنصر معنوی حتی برای تکلیف است. یعنی حتی نمی‌آیند سوال و جواب کنند ببینند این فرد متهمی که روبروشان نشسته عنصر معنوی دارد یا ندارد. سه سوئیت تمام دارد تا سوئیت خاصی نمی‌آیند این بچه‌ها را بشناسند بگویند بخوردهای دیگر.

مشکل اصلی مسا یی توجهی به عنصر معنوی حتی برای تکلیف است. یعنی حتی نمی‌آیند سوال و جواب کنند ببینند این فرد متهمی که روبروشان نشسته عنصر معنوی دارد یا ندارد. سه سوئیت تمام دارد تا سوئیت خاصی نمی‌آیند این بچه‌ها را بشناسند بگویند بخوردهای دیگر.

مشکل اصلی مسا یی توجهی به عنصر معنوی حتی برای تکلیف است. یعنی حتی نمی‌آیند سوال و جواب کنند ببینند این فرد متهمی که روبروشان نشسته عنصر معنوی دارد یا ندارد. سه سوئیت تمام دارد تا سوئیت خاصی نمی‌آیند این بچه‌ها را بشناسند بگویند بخوردهای دیگر.



محفل نماز در مسجد جامع اصفهان، ۱۳۹۸

**وکیل متهمان سیاسی و امنیتی** از عملکرد قضات در پرونده‌های سیاسی می‌گوید

## حاکمیت چاره‌ای جز جداسازی جرم سیاسی از امنیتی ندارد

**پیام در فشان: تعداد مجرمان سیاسی حقیقی بسیار کم است**



دوروز پیش پروانه سلحشوری، نما بنده مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مجلس به احکام صادره برای مر ضیه امیری، عاطفه رنگر بز و نوشین جعفری اعتراض کرد و گفت: «برای آن‌ها ۱۱ تا سال زندان به همراه شلاق فقط به دلیل حضور در یک اعتراض خیابانی صادر شده و افسوس آنجاست که برای اختلاسگران مانند متهم ثامن الحجج فقط ۱۵ سال حکم می‌دهند؛ این است عدالت اسلامی؟» زهرار هنورد، همسر میر حسین موسوی نیز در اقدامی کم سابقه از درون محضر بناگزارش یادداشتی به این احکام و به‌طور کلی آنچه «مقاله نظام بازانان» خوانده‌است، اعتراض کرد.
۲۰ روز پیش هم علی مطهری به همراه شماری دیگر از نمایندگان مجلس به‌توجه بر گزار ی دادگاه و حکم صادره برای محمد خاتمی که مدعی تقلب در انتخابات ۸۸ بود، اعتراض کردند. این دعوا اما مربوط به امروز و دیروز نیست. دستگیری‌ها و اعدام‌های دهه شصت، باز داشته‌های کوی دانشگاه در ۱۸ تیر ۷۸ و معترضان به انتخابات ریاست جمهوری در ۱۰ اسال بعد تر، حاضران در نا آرامی‌های دی ماه ۹۶، شش شرکت کنندگان در تجمع‌های متعدد بر سردهی موسسات مالی و اعتباری، بی‌آبی، محیط زیست، حقوق معلمان و کارگران و بسیاری نمونه‌های دیگر، همگی مواردی هستند که هموار بر سر سیاسی بودن یا امنیتی بودن آنها اختلاف نظر بوده‌است. حالا باشدت گرفتن بازداشتها و دستگیریها در یکی دو سال اخیر، بحث بر سر این است که چرا اقباض قوه قضائیه در تمام سه سالی که از تصویب قانون جرم سیاسی می‌گذرد، حتی یک بار هم متن آن را رویرویی خود نگشوده‌اند و اساسا در برابر اصرار دستگاه قضایی یا بد چه کرد؟ در نهانیت سال ۹۵ قانون جرم سیاسی به تأیید شورای نگهبان رسید. این قانون مشخص کرده‌است که «توهین یا افترا بر اهورسای سه قوه،ر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور،وزر، نمایندگان مجلس و شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، اعضای شورای نگهبان، توهین به پرمانجامنده سیاسی کشور خارج می‌گردد، جرایم مندرج در قانون فعالیت‌ها حزایب، جرایم مقرر در قوانین انتخابات و نشر اکاذیب چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مد بریت و نهاد‌های سیاسی یا سیاستهای داخلی و خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مر تکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد، جرم سیاسی محسوب میشود.»در ادامه هر گفته و طرح تازه‌ای را به جریان انداخته‌است؛ اما در مقابل برخی دیگر تأکید می‌کنند که مشکل اصلی در نگاه مجریان به قانون است نه خود قانون. پیام در فشان، که وکالت بسیاری از متهمان سیاسی – امنیتی را در کارنامه کاری خود دارد، از نزدیک با چالش‌های پیش‌رو بر سر راه اجرای این قانون مواجه بوده‌است. آنچه می‌خوانید گفتگویی است با او درباره جرم سیاسی، رویکرد قضات به آن و سر نوشت مناقشه بر سر جرم سیاسی.

متفاوت دارند. مثلاً در دوره روزنامه‌نگاری که فلان سمت رئیس جمهور یا مقامات دیگر کوچک فرنگی برتی می‌کشد و هیچ اتفاقی نمی‌افتد؛ ولی اینجا اگر این کوچک فرنگی را برت کند، با توجه به مقام آن شخص، سر نوشتش برای همیشه تغییر می‌کند.

برای مثال در شدن از جیراق فریم جرم مطلق است؛ در جرایم مطلق به عنصر معنوی کاری ندارد؛ اما در تعریف جرم سیاسی، قصد خیلی مهم است. کسی که مزدور است در هیچ کشوری تحمل نمی‌شود، ولی اگر قصد سیاسی داشته باشد موضوع فرق می‌کند، همانطور که در قانون جرم سیاسی نیز به آن اشاره شده‌است.

تنها راه، همان است که در قانون اساسی آمده‌است؛ یعنی واگذار کردن موضوع به هیأت منصفه، مشروط بر این‌که هیأت منصفه هم بر اساس معیارهای اجتماعی، اجتماعی و شهروندی انتخاب شود، نه معیارهای ارزشی. هیأت منصفه متشکل از نخبگان اجتماعی باشد و البته مستقل باشد، یعنی رأی و نظر اعضا تحت تأثیر یک تماس تلفنی از فلان نهاد و وزارت نتخانه نباشد. مثل هیأت منصفه مطبوعات هم نشود که عدلهای را آورده بودند که باید از دست آنها پناه می‌برید به قاضی.

■ **خسوب ما تجر به هیأت منصفه مطبوعات** را داشته‌ایم که با مشکلات زیادی مواجه بوده‌است. در مورد جرم سیاسی که حساسیت‌ها بسیار است، با توجه به این موضوع اصلاح ظرفیت تشکیل یک هیأت منصفه برای جرایم سیاسی در دستگاه قضایی وجود دارد؟

با توجه به دستورالعملی که آقای رئیسی صادر کرده و برخوردها و تغییراتی که داریم در قوه قضائیه دیگر بی‌توان این امید را داشت. با آمدن آقای رئیسی، همه منتظر بودیم مثل همیشه اولین اتفاقی که می‌افتد دستورالعملی بوده باشد، دادستان‌ها و شاگرد این اتفاق نبودیم و هنوز هم نیستیم که نشان می‌دهد قوا و ذهنیت ایشان مشغول

■ **اما به نظر می‌رسد هم‌زمان نیز فعالان سیاسی و معترضان اجتماعی** به همان اندازه مفسدان اقتصادی و پرونده‌های امنیتی، مستغیر می‌شوند. از طرفی قوه قضائیه همچنان اصرار دارد که مجرم سیاسی نداریم و همه آنها یکی که به عنوان متهم سیاسی از آنها یاد می‌شود، مجرم تصمیگیری برسیتم. که مثلا نسبت به اشخاصی که به عنوان معترضین دی‌ماه ۹۶ بیرون می‌آیند یا در فضای مجازی

**سیاسی و امنیتی قلمداد و در نهانیت گرفته‌تان سنگین قضایی نشوند؟**

سیاستم با نگرشی که دارد می‌خواهد از چند قضایه نسبت به اشخاص مطمئن شده؛ اول اینکه مزدور نباشند یعنی از جایی تأمین مالی نشوند و از جای دیگری دستور به آنها صادر نشود. موضوع هم مهم نیست. اصلا ممکن است یک جایی تحت‌عنوان کمپین حمایت از حقوق حیوانات به شما بگرموز شود، بروید رویروی شهرداری برای حمایت از سگ‌های بی‌گناه تجمع کنید، عکس سگ بفرججوی کنید. مثلا در ساره خاتمی که بهدید. همین که این دستور از جای دیگری صادر شده، این حساسیت را برای سیستم ایجاد می‌کند که شما مزدور هستید. از طرف دیگر ما باید ببینیم که زاویه دید نهادهای امنیتی چیست. تا به حال از خودتان سوال کرده‌اید که چرا باید وقتی این سگ‌ها دارند بد به این شکل کشته می‌شوند یک کسی با دقت و جزئیات فیلم بگیرد و فیلم دقیقا شب ۲۸ مرداد بیرون بیاید؟ باید در این گونه موارد خودمان را جای سیستم‌های امنیتی بگذاریم و علامت سوال ایجاد کنیم؟

یک مثال دیگر در این راستا، مربوط به اولین و آخرین جمعی است که شرکت کردم، زمانی که خانم ستوده را دستگیر کردند، تعدادی از وکلای دادگستری تصمیم گرفتیم یک تجمع سکوت رویروی دلسرانی زندان

اوین داشته باشیم و اعلام کنیم که خواهان آزادی همکاران هستیم. وقتی جمع شدید، اشخاص مختلفی با پلاکاردهای مختلف به ما ملحق شدند. نیروهای امنیتی که آنجا ناظر بودند آمدند یکی از این اشخاص را آرام آرام از ما دور کردند و برنند، موقعی که می‌خواستند او را سوار ون کنند، فرد مورد نظر واکنش نشان داد، بعد در دلسرانی اوین، سر تیم آن نیروی امنیتی به ما نشان داد که آن فرد یک پلاکارده دیگری با یک نوشته دیگر و مربوط به فرد دیگری را در دست گرفته بود. من آنجا به این نتیجه رسیدم که وقتی تجمع بر گزار شود، نمی‌توان پیش‌بینی کرد که چه افرادی – یا چه نیاتی در آن حضور پیدا می‌کنند. بنابراین دیگر تجمی بر گزار نکردیم.

وقتی تجمع‌ها را نشود مدیریت کرد، گروه‌های مختلفی به مسا می‌پیوندند و اینها اهداف مختلفی دارند که ممکن است زمین تا آسمان با ما فرق داشته باشد و ما همه مظلوم ترند. هیچ توجیهی ندارد که گزار اشتکار و به چشم یک مدلمر باز نشسته باشیم. اما این وظیفه دولت است که مشکل

تجمعات را حل کند و تا زمانی که در صحن این مشکل را حل نکرده، خطرات زیادی برای آنهاست. اما ما می‌توانیم با یکدیگر همکاری کنیم و در نهانیت هزینه

■ **بعنسی می‌گوید به‌طور کلی تجمع‌های اعتراضی بر گزار نشود؟**
منصفه مطبوعات نشود که عده‌ای را آورده بودند که باید از دست آنها به قاضی پناه می‌بردید

سکولاریسم به کودکان آموزش می‌دادی یا اینکه اگر خواستند سریع دست‌وپا بزنند، حقوق حیوانات برنود، خطر اتهامات امنیتی آنها را هم باید دیدیم.

■ **اما به هر حال در تمام دنیا چنین اتفاقی می‌افتد؟**
بله، اصلا طبق قانون اساسی کشور ما هم تجمع حق مردم است. معلم‌های ما از همه مظلوم‌ترند. هیچ توجیهی ندارد که گزار اشتکار و به چشم یک مدلمر باز نشسته باشیم. اما این وظیفه دولت است که مشکل

تجمعات را حل کند و تا زمانی که در صحن این مشکل را حل نکرده، خطرات زیادی برای آنهاست. اما ما می‌توانیم با یکدیگر همکاری کنیم و در نهانیت هزینه

■ **خوب از این دست اعتراضات فردی در فضایی مجازی و حتی غیرمجاز وجود دارد. علاوه بر قالب تجمعات یا کمپین‌ها و مختلف مسورت می‌گیرداز اعتراض به کشتن سگ‌ها با اسید گرفته تا اعتراضات منطفی. قطعا سوءاستفاده‌هایی نیز در این بین می‌شود؛ اما آیا برای آنها که صرفا فعال سیاسی و اجتماعی هستند و فقط می‌خواهند جمعی بررسیم. که مثلا نسبت به اشخاصی که به عنوان معترضین دی‌ماه ۹۶ بیرون می‌آیند یا در فضای مجازی**

■ **خوب از این دست اعتراضات فردی در فضایی مجازی و حتی غیرمجاز وجود دارد. علاوه بر قالب تجمعات یا کمپین‌ها و مختلف مسورت می‌گیرداز**

تجمعات را حل کند و تا زمانی که در صحن این مشکل را حل نکرده، خطرات زیادی برای آنهاست. اما ما می‌توانیم با یکدیگر همکاری کنیم و در نهانیت هزینه

در کشوری زندگی می‌کنیم که طبق قانون اساسی آن، موازین شرعی در همه حوزه‌های زندگی ما جاری است. یعنی هدف وسیله را توجیه‌دهد. کند نمازیم هم بر اساس اینکه مسئله‌ای می‌تواند احتمال فسساد داشته باشد، حقوق ملت را از آنها بگیریم. اگر قرار باشد که معلم‌های ما این را نداشته باشند که در مجلس حرف خودشان را بزنند، پس قانون اساسی ما که عهد بین حکومت و ملت است، چه کار کردی دارد؟ ما حق نداریم قانون اساسی را نقض کنیم تحت هیچ بهانه‌ای.

چرا در قانون اساسی ما اصلی به عنوان «حکومت نظامی» گنجانده نشده؟ چون مردم این تلخی را چشیده بودند که سیستمی می‌آید وضعیتی را ایجاد می‌کند به اسم اینکه امنیت نیست.

شما ببینید بزرگترین و معروف‌ترین مجرمین سیاسی تاریخ پیامبر بودند. این پیامبران بودند که همیشه در طول تاریخ آمدند کل یک ساختار را به چالش کشیدند و علیه‌اش مانگیز و ساختار شکنانه نباشند. گرفته تا حضرت ابراهیم. از آن طرف هم

برخورد اولیا و ائمه یا مخالفین سیاسی‌شان را می‌بینیم. مگر حضرت علی (ع) با خواجه چه کردند؟ تا وقتی که آنها دست به سلاح

نزدند، حوقشان را از بیت‌المال قطع نکردند. وقتی ما که جنگ تمام شد، باز حقوق آنها از بیت‌المال (یا به اولاد و بازمانده‌هاش پرداخت می‌کردند، حتی به آنها سر کشتی می‌کردند. برخو بر مخالف سیاسی را حتی موقعی که محارب شدند ما باید از اولیا و انبیا یاد بگیریم. برویم بررسی کنیم ببینیم حضرت علی چند نفر را به جرم ارتداد گرفته و محاکمه کردند؟

اولا چرا نیست جرم سیاسی آزاد شود و با مجازات نشود. ششرا با معمولی آزاد شد و شرایط خوبی نیست. شما اگر با افرادی که در زندان بوده‌اند صحبت کنید همان یک هفته غذای زندان را که می‌خورند پشت دستشان را داغ می‌کنند، مگر یک کسی در اشخاصی مثل آقای تجزاده که می‌دانند چه می‌خواهند و واقعا فعال سیاسی هستند که این افراد هم تعدادشان خیلی کم است. و گرنه اکثریت کسانی که به عنوان مجرم سیاسی امنیتی، تبلیغ علیه نظام، و ثانوی از این دست بازداشت می‌شوند، مجرمین حیجانی هستند. یعنی کسانیکه تحت شرایطی اقدام به عملی کرده‌اند که به عنوان جرم سیاسی امنیتی تلقی می‌شود. و حاکمیت: جرم سیاسی حقیقی سیاسی ما بسیار این است. چون ما این روندها را می‌خواهیم بعد می‌بینیم هر کسی را که دو هفته بعد از دادسرا آورده‌اند چقدر «حفظ کردم» نوشته‌است و تنها چند نفر هستند که روی حرف خود، فارغ از اینکه درست بوده یا غلط، ایستاده‌اند. بقیه سریع منقلب می‌شوند.

از منظر دیگر، ماجرا یک بر دین‌المللی هم دارد. شما تصور کنید که تلویزیون را روشن می‌کنید و می‌بینید مثلا دارد سیستم قضایی تجریه به نظام است رهبری است؛ لذا نمی‌شود توهین به رهبری یکنی و بگویی نمی‌خواهی اقدام علیه کل نظام یکنی چون رهبری مسالوی با کل نظام است. اما در اصلاحیه‌های پیشنهاد شده، رهبری را هم در کنار دیگر مقامات ارشد نظام آورده‌اند که این نشان‌دهنده سعه‌صدر بالاتری است و اینکه سیاستگذاران پذیرفته‌اند ممکن است شهروندی نسبت به عملکردی که نسوی رهبری صورت می‌گیرد، انتقاد داشته باشد، اما قصد بر اندازی نداشته باشد.

حاکمیت ما ناگزیر بر از حرکت در این مسیر است. ناگزیریم از اینکه یک سری قوانینمان را از حالت‌هایی که بخواید با صفر باشد یا صد در بنیاوریم. مجبوریم ریشه‌های جرم سیاسی را فوی کنیم. در قضائیی مثل کشمکش بین قدرت و شهروند سیستم‌های هیأت منصفه را پیاده کنیم و خود شهروندان را برای تعدیل مسئله واسطه فرار دهیم. در غیر این صورت فروپاشی پیدا می‌کنیم. در طول تاریخ ایثات شده حاکمیت‌های تمام کشور‌هایی

که برخورد چکشی داشته‌اند حذف شده‌اند، چون سسر مایه اجتماعی را از دست داده‌اند، حتی یک مورد هم نمی‌توانید پیدا کنید که غیر از این باشد.



**سیاسی و امنیتی قلمداد و در نهانیت گرفته‌تان سنگین قضایی نشوند؟**

سیاستم با نگرشی که دارد می‌خواهد از چند قضایه نسبت به اشخاص مطمئن شده؛ اول اینکه مزدور نباشند یعنی از جایی تأمین مالی نشوند و از جای دیگری دستور به آنها صادر نشود. موضوع هم مهم نیست. اصلا ممکن است یک جایی تحت‌عنوان کمپین حمایت از حقوق حیوانات به شما بگرموز شود، بروید رویروی شهرداری برای حمایت از سگ‌های بی‌گناه تجمع کنید، عکس سگ بفرججوی کنید. مثلا در ساره خاتمی که بهدید. همین که این دستور از جای دیگری صادر شده، این حساسیت را برای سیستم ایجاد می‌کند که شما مزدور هستید. از طرف دیگر ما باید ببینیم که زاویه دید نهادهای امنیتی چیست. تا به حال از خودتان سوال کرده‌اید که چرا باید وقتی این سگ‌ها دارند بد به این شکل کشته می‌شوند یک کسی با دقت و جزئیات فیلم بگیرد و فیلم دقیقا شب ۲۸ مرداد بیرون بیاید؟ باید در این گونه موارد خودمان را جای سیستم‌های امنیتی بگذاریم و علامت سوال ایجاد کنیم؟

یک مثال دیگر در این راستا، مربوط به اولین و آخرین جمعی است که شرکت کردم، زمانی که خانم ستوده را دستگیر کردند، تعدادی از وکلای دادگستری تصمیم گرفتیم یک تجمع سکوت رویروی دلسرانی زندان

اوین داشته باشیم و اعلام کنیم که خواهان آزادی همکاران هستیم. وقتی جمع شدید، اشخاص مختلفی با پلاکاردهای مختلف به ما ملحق شدند. نیروهای امنیتی که آنجا ناظر بودند آمدند یکی از این اشخاص را آرام آرام از ما دور کردند و برنند، موقعی که می‌خواستند او را سوار ون کنند، فرد مورد نظر واکنش نشان داد، بعد در دلسرانی اوین، سر تیم آن نیروی امنیتی به ما نشان داد که آن فرد یک پلاکارده دیگری با یک نوشته دیگر و مربوط به فرد دیگری را در دست گرفته بود. من آنجا به این نتیجه رسیدم که وقتی تجمع بر گزار شود، نمی‌توان پیش‌بینی کرد که چه افرادی – یا چه نیاتی در آن حضور پیدا می‌کنند. بنابراین دیگر تجمی بر گزار نکردیم.

وقتی تجمع‌ها را نشود مدیریت کرد، گروه‌های مختلفی به مسا می‌پیوندند و اینها اهداف مختلفی دارند که ممکن است زمین تا آسمان با ما فرق داشته باشد و ما همه مظلوم ترند. هیچ توجیهی ندارد که گزار اشتکار و به چشم یک مدلمر باز نشسته باشیم. اما این وظیفه دولت است که مشکل

تجمعات را حل کند و تا زمانی که در صحن این مشکل را حل نکرده، خطرات زیادی برای آنهاست. اما ما می‌توانیم با یکدیگر همکاری کنیم و در نهانیت هزینه

■ **بعنسی می‌گوید به‌طور کلی تجمع‌های اعتراضی بر گزار نشود؟**

منصفه مطبوعات نشود که عده‌ای را آورده بودند که باید از دست آنها به قاضی پناه می‌بردید

سکولاریسم به کودکان آموزش می‌دادی یا اینکه اگر خواستند سریع دست‌وپا بزنند، حقوق حیوانات برنود، خطر اتهامات امنیتی آنها را هم باید دیدیم.

■ **اما به هر حال در تمام دنیا چنین اتفاقی می‌افتد؟**
بله، اصلا طبق قانون اساسی کشور ما هم تجمع حق مردم است. معلم‌های ما از همه مظلوم‌ترند. هیچ توجیهی ندارد که گزار اشتکار و به چشم یک مدلمر باز نشسته باشیم. اما این وظیفه دولت است که مشکل

تجمعات را حل کند و تا زمانی که در صحن این مشکل را حل نکرده، خطرات زیادی برای آنهاست. اما ما می‌توانیم با یکدیگر همکاری کنیم و در نهانیت هزینه

■ **خوب ما تجر به هیأت منصفه مطبوعات** را داشته‌ایم که با مشکلات زیادی مواجه بوده‌است. در مورد جرم سیاسی که حساسیت‌ها بسیار است، با توجه به این موضوع اصلاح ظرفیت تشکیل یک هیأت منصفه برای جرایم سیاسی در دستگاه قضایی وجود دارد؟

با توجه به دستورالعملی که آقای رئیسی صادر کرده و برخوردها و تغییراتی که داریم در قوه قضائیه دیگر بی‌توان این امید را داشت. با آمدن آقای رئیسی، همه منتظر بودیم مثل همیشه اولین اتفاقی که می‌افتد دستورالعملی بوده باشد، دادستان‌ها و شاگرد این اتفاق نبودیم و هنوز هم نیستیم که نشان می‌دهد قوا و ذهنیت ایشان مشغول

■ **اما به نظر می‌رسد هم‌زمان نیز فعالان سیاسی و معترضان اجتماعی** به همان اندازه مفسدان اقتصادی و پرونده‌های امنیتی، مستغیر می‌شوند. از طرفی قوه قضائیه همچنان اصرار دارد که مجرم سیاسی نداریم و همه آنها یکی که به عنوان متهم سیاسی از آنها یاد می‌شود، مجرم تصمیگیری بررسیم. که مثلا نسبت به اشخاصی که به عنوان معترضین دی‌ماه ۹۶ بیرون می‌آیند یا در فضای مجازی